



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۹/۱۶

عارف عباسی

## ما را در سر سودا و در دل غصه حال خود ماست!



دوستان محترم! یقین داشته باشید که مرا شوق به دراز نویسی نیست، ولی چنین موضوعات مهم روز مستلزم تحلیل همه جوانب دخیل است که بحث را طول می سازد.

حالا سُر و پُس و زمزمه ها همه پیرامون تحولات و گزارشات بعدی می چرخد و این سوالی است که در ذهن عامی، خبره و آگاه و دانا پیداست که بعد از لغو مذاکرات با طالبان چه خواهد شد.

آرامش طالبان و صلح جویان بیزار از جنگ و به ستوه آمده از خون ریزی و ویرانی، خیر و صلاح دیار خود می جویند، به اصطلاح عوام شری خیزد که در آن خیر ما باشد، در معامله گری اسرار آمیز قبلی موضوع صلح افغانستان به حیث یک ابزار سیاسی مورد معامله قرار گرفته و در متن توافق نامه آن چه مردم توقع داشتند گنجانیده نشده بود. انگیزه لغو مذاکرات به قرار معلوم بر محتویات توافقتنامه نبوده بلکه به اثر مخالفت حلقات دخیل سیاسی امریکا براساس پروتوکول، محل و زمان اجلاس «کمپ دیوید» Camp David بود.

یک - سود جویان و مدعیان قدرت که ملت را در اسارت دارند در جریان مذاکرات دور هم حلقه زده برای خود زمینه تبارز و تداوم قدرت می دیدند و توافقاتی هم با میانه روی حامد کرزی صورت گرفته بود.

دو- حکومت پل لرنانک افغانستان در قبال این مذاکرات و «توافق در پرنسپ» خود را در دام دسیسه کنار بردن، تضعیف و حتی فناه می دید ولی مدبرانه، هوشیارانه و متحملانه عمل کرد.

سه- طالبان خود را در موقفی یافتند که در خواب و خیال نمی دیدند و در ۹ دور مذاکرات از جانب طالب موضوع «داد» مطرح نبوده و همه «سند» بود و اما طالبان موفق شدند که با یک تعهد غیر عملی و پوشالی شان، ورنه آتش بس باید شرط اولی می بود، موافقت امریکا را به خروج ۵۴۰۰ سپاهش از افغانستان حاصل نمایند، و در حساس ترین مقطع تاریخی امریکا در مقری از ایشان دعوت شد که زعمای مشهور دنیا برای حل منازعات بغرنج سیاسی در آن محل دور میز مذاکره نشستند. این یک فرصت طلایی برای این جریان بود که اول به حیث یک جبهه مخالف به رسمیت شناخته شده و دوم بر توافقتنامه شان با هیأت امریکایی مهر تائید گذاشته می شد.

چون این گروه اصلاً فاقد درایت سیاسی بودند در زیاده خواهی افراط نموده شرائط دیگری بر اشتراک شان در امریکا گذاشتند.

ولی چرخ گردون فلک سیاسی با یک تصمیم آنی همه زد و بند و معاملات را دگرگون ساخت.

در میان ما مردم زجر دیده سوگوار و ماتم کشیده که همه آرزو های خود را مورد معامله دیدیم این تغییر را به فال نیک گرفتیم، گرچه از تدابیر بعدی چیزی نمی دانیم. چون محدودیتی بر حدس و گمان نیست من هم در این بحث پیش بینی های خود را بر بنیاد این دو اصل مطرح می سازم.

- از زبان رئیس جمهور امریکا بعد از این تصمیم سخنانی شنیده شد که نتیجه گیری را دشوار می سازد، ترمپ گفت مذاکرات با طالبان «مُرد»، آیا راستی به خاک سپرده شد و یا نیم جان نگهداشته شده؟، آیا امکان بعث بعدالموت موجود است؟ همچنان رئیس جمهور گفت که این بار ضربات قوی و شدیدی بر طالبان وارد می کند و به استثنای بامب ذروی از هر قوت ممکنه استفاده می کند.

مترادف با این تهدیدات گفت که به وعده مبارزه انتخاباتی خود مبنی بر خروج عساکر امریکا از افغانستان متعهد است.

سؤال خلق می گردد که در این هژده سال با ۱۵۰۰۰۰ سپاه و قوی ترین تجهیزات هوایی و زمینی و پرتاپ "والیده بامب ها" چرا این گروه را که تعداد شان به ۲۰۰۰۰ نمی رسید به زانو درآورده نتوانست؟

آیا با کار برد قوت های شدید تاکتیک های نوین امریکا می خواهد و می تواند که بر پایگاه ها، پناه گاه ها، تعلیمگاه ها و مراکز قومانده و سوق طالبان که برایش معلوم است حمله کند، یا این که پاکستان خط قرمز است. حلقات سیاسی و رسانه های معتبر امریکا، در لای این همه مغشوشیت ها، از ارائه پیش بینی یک نصب العین مشخص آینده عاجز مانده اند.

- طالبان از صمیم قلب خواهان از سر گرفتن مذاکرات اند و از اتخاذ تصمیم رئیس جمهور امریکا اظهار تأسف و تعجب نموده اند و از کرده خود سخت پشیمانند. احتمال قوی می رود که طالبان عملیات دحشت افگنی و قتل مردم ملکی و نظامی را گسترش دهند، بستن راه کابل و بغلان برای دو هفته، تا زمینه برگشت شان را به میز مذاکره مساعد سازد. همچنان حدس زده میشود، با امکان ضعیف، که طالبان در روش خود از ملایمت کار گرفته حملات خود را متوقف سازد.

- موقف پاکستان و تدابیر آینده اش در قبال این تحول قابل پیش بینی نیست.
- موقف سیاسی حکومت بیشتر تقویه شده و فعلاً از تهله سقوط رهایی یافته و امکانات برد اشرف غنی و دسته انتخابی اش در انتخابات، اگر جار و جنجالی برپا نشود، بیشتر متصور است.

\*\*\*\*\*

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

ما را در سر سودا و در دل غصه حال خود ماست!  
A\_abssi\_maa\_raq\_dar\_del\_o\_sar\_rossae\_maast.pdf